

کوبا: به سوی سرمایه داری

ارزیابی اصلاحات گسترده‌ی بازار آزاد

مصوب حزب کمونیست و دولت کوبا

کامران نیری



مردم در صف ورود به فروشگاه‌ی در مرکز شهر هوانا، کوبا، ۳ اکتبر ۲۰۲۲. رپرتژ/ الکساندر منگین

در این مقاله، به اصلاحات گسترده‌ی مبتنی بر بازار آزاد در کوبا که اخیراً اعلام شده‌اند می‌پردازم. میگل ماریو دیاز کانل^۱ (۱۸ ژوئن ۲۰۲۶)، دبیر اول کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست کوبا^۲ (PCC) و رئیس‌جمهور کوبا، ادعا کرده است که آن‌ها «دفاع از سوسیالیسم را پیش خواهند برد، از عدالت اجتماعی حمایت و آن را گسترش خواهند داد و ثروت اقتصادی ایجاد خواهند کرد که به‌طور عادلانه توزیع خواهد شد.»

استدلال خواهیم کرد که اجرای این اصلاحات، با گسترش و تثبیت بازار کار و بازار سرمایه، رشد شرکت‌های‌های سرمایه‌داری و انباشت مستمر سرمایه و تعمیق ادغام اقتصاد کوبا در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری، جایگاه کوبا را به‌عنوان یک اقتصاد سرمایه‌داری به‌طور چشمگیری گسترش داده و تثبیت خواهد کرد.

دیاز کانل این اصلاحات را در چارچوب تشدید تحریم‌ها و سیاست تهاجمی دولت آمریکا، ازجمله محاصره‌ی نفتی، مطرح می‌کند. با این حال، این اصلاحات در واقع در تداوم اصلاحات بازار آزادی هستند که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ آغاز شد و جامعه‌ای طبقاتی مرکب از داراها و ندارها را در کوبا ایجاد کرده است. برای مثال، بازار کار را در نظر بگیرید. بین سال‌های ۱۹۷۶ تا حدود دهه‌ی ۲۰۱۰، دولت کوبا عمده‌تاً فرض می‌کرد که استخدام خصوصی کارگران مزدبگیر ناگزیر روابط طبقاتی سرمایه‌داری را بازسازی خواهد کرد و بنابراین باید به حداقل برسد. اما قانون اساسی ۲۰۱۹ به‌طور ضمنی پیش‌فرض متفاوتی را اتخاذ می‌کند: کارفرمایان خصوصی می‌توانند در چارچوب سوسیالیسم وجود داشته باشند، به شرطی که دولت کنترل بخش‌های استراتژیک اقتصاد را حفظ کند و انباشت خصوصی را تنظیم نماید.

اجازه دهید این تغییر در ایدئولوژی رهبری حزب کمونیست کوبا را به‌تفصیل شرح دهم. ماده ۱۴ قانون اساسی ۱۹۷۶ (که پس از اصلاحات ۱۹۹۲ حفظ شد)، مستند می‌کرد که نظام اقتصادی سوسیالیستی بر پایه‌ی مالکیت سوسیالیستی ابزارهای بنیادین تولید استوار است و «استثمار انسان توسط انسان را از بین می‌برد».^۳

در عمل، خوداشتغالی^۴ یا ممنوع بود یا فقط در تعداد بسیار محدودی از مشاغل مجاز بود. حتی با گسترش خوداشتغالی در «دوره‌ی ویژه در زمان صلح»^۵ در دهه‌ی

۱۹۹۰، استخدام نیروی کار مزدبگیر همچنان به شدت محدود بود زیرا استخدام کارگران عموماً به عنوان «استثمار» تلقی می‌شد.

از زمان اصلاحات رائل کاسترو پس از ۲۰۱۰، دولت کوبا مسیر خود را تغییر داد. در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱، کوبا به بسیاری از گروه‌های خوداشتغالی اجازه‌ی استخدام کارکنان را داد. قانون کار ۲۰۱۴ قواعد قانونی مربوط به روابط کاری بین کارفرمایان شرکت‌های خصوصی و کارگران استخدام‌شده را تعیین کرد. این قواعد تغییر قابل توجهی نسبت به رویکرد قبلی بودند. این امر با قانون اساسی سازگار نبود: قانون اساسی هنوز اعلام می‌کرد که استثمار در کوبا لغو شده است، اما مقررات دولتی اکنون به افراد خصوصی اجازه می‌داد کارگر استخدام کنند. همان‌طور که پژوهشگر قانون اساسی کوبایی هوگو آزکوی^۶ و مفسران بعدی اشاره کرده‌اند، این وضع دشواری بود که با نص صریح قانون اساسی سازگار نبود. قانون اساسی ۲۰۱۹ بخش زیادی از این ابهام را با به رسمیت شناختن صریح مالکیت خصوصی به عنوان یکی از چندین شکل مشروع مالکیت بر طرف کرد؛ به رسمیت شناختن نقش بازار در کنار برنامه‌ریزی سوسیالیستی؛ و دیگر کسی استخدام‌های خصوصی را ذاتاً خلاف قانون اساسی نمی‌دانست، در حالی که همچنان تأکید می‌شد که دولت با استثمار مخالف است و به دنبال عدالت اجتماعی است. در نتیجه، شرکت‌های خصوصی، تعاونی‌ها و کارآفرینان خوداشتغال می‌توانستند به‌طور قانونی تحت مقررات دولتی کارگر استخدام کنند. این تحول قانون اساسی یکی از واضح‌ترین شاخص‌های گذار تدریجی کوبا از الگوی تقریباً انحصاری اشتغال دولتی به الگوی اقتصاد ترکیبی دولتی - خصوصی است.

همان‌طور که هوپ باستین (۲۰۱۸، ص. ۴۶)، حامی انقلاب کوبا و استاد کالج سن جرونیو دانشگاه هاوانا، نوشت:

«در سال‌های اخیر، تعداد کوبایی‌هایی که تابعیت کشورهای دیگر را کسب کرده‌اند افزایش یافته است. برخی از آن‌ها فرزندان خود را به مدارس خصوصی خارجی در هاوانا می‌فرستند، مانند مدرسه‌ی اسپانیایی، مدرسه‌ی فرانسوی، مدرسه‌ی روسی و مدرسه‌ی بین‌المللی که فقط دانش‌آموزانی را که دارای گذرنامه‌ی خارجی هستند می‌پذیرد. حداقل شهریه‌ی این مدارس بین ۱۲,۰۰۰ تا ۱۴,۰۰۰ دلار در سال است.

«برای درک عمق نابرابری درآمد در کوبای امروز،^۷ باید به یاد داشته باشیم که حداقل دستمزد ماهانه ۲۱۰۰ پزو، میانگین حقوق ۴۰۰۰ پزو و حداکثر مستمری ماهانه ۱۵۴۸ پزو است. با تبدیل این ارقام به دلار با نرخ ارز در زمان نگارش این متن، حداقل دستمزد ماهانه ۸۸ دلار، میانگین حقوق ماهانه ۱۶۸ دلار و حداکثر مستمری ماهانه ۶۴ دلار است. کوبایی‌هایی که فرزندان‌شان را به مدارس خصوصی خارجی در هاوانا می‌فرستند و اکثریت مردم کوبا به طبقات اجتماعی متفاوتی تعلق دارند.»

از آن زمان اختلافات طبقاتی در کوبا عمیق‌تر شده است. در مقاله‌ای افشاگرانه، بوبیر (۲۴ ژوئن ۲۰۲۶) استدلال می‌کند که مشکل دسترسی به غذا برای کوبایی‌ها امروزه کمبود نیست بلکه قیمت نسبتاً بالای غذا نسبت به دستمزدهایی است که کارگران کوبایی دریافت می‌کنند. او به عنوان نمونه از یک فارغ‌التحصیل دانشگاه، تانیا رودریگز، که درآمد ماهانه‌اش از کار در هتلی تحت مدیریت خارجی تنها ۶۰۰۰ CUP^۸ (۱۰ دلار آمریکا) است یاد می‌کند. وقتی او برای کار به دولت مراجعه کرد، پیشنهادی برای کار در یک بیمارستان با حقوق ماهانه ۵ دلار در ماه دریافت کرد که او آن را رد کرد.

«بعداً، کار نظافت در یک هتل ساحلی به او پیشنهاد شد، که مستلزم آن بود که در آن هتل بخواهد. این امر برای او میسر نبود زیرا از والدین سالمندش و یک کودک خردسال نگهداری می‌کرد. رودریگز در حیاط خانه به دلیل محاصره‌ی نفتی با زغال آشپزی می‌کند - خرید یک بطری ۲۰ لیتری بنزین در بازار سیاه با قیمت ۶۰,۰۰۰ پزو (۹۰ دلار) برای او غیرممکن است. او وقتی می‌گوید چگونه لباس، کفش و ورقه‌های چوبی پراکنده در خانه را برای رفع مایحتاجش می‌فروشد احساساتی می‌شود؛ او در در نظر دارد یخچال و مخزن آب را برای خرید غذا بفروشد. او می‌گوید: "بدون ترمز در سرازیری واقع شده‌ایم" او بقای خانواده‌اش را مدیون دوستی با یک گردشگر کانادایی می‌داند که سال‌ها پیش با او آشنا شده و به کارت بانکی او هر از چندگاه پول حواله می‌کند.» (همان منبع)

سؤال اکنون این است: چگونه آزادسازی بیشتر اقتصاد کوبا می‌تواند به مردم کارگر کوبا که با چنین وضعیت وخیمی روبه‌رو هستند کمک کند؟ چگونه این امر می‌تواند «از سوسیالیسم حمایت کند»؟ اگر آزادسازی اقتصاد کوبا داروی مؤثری است، چرا اقتصاد کوبا در چهار دهه‌ی گذشته با وجود آزادسازی بازار پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تا این حد تضعیف شده است؟

تشدید فشار آمریکا

تجاوز امپریالیستی علیه انقلاب ۱۹۵۹ و رژیم‌ی که پس از آن به وجود آمد، پس از مداخله‌ی نظامی ترامپ در ونزوئلا و ربودن رئیس‌جمهور آن، نیکلاس مادورو، و همسرش در ۳ ژانویه ۲۰۲۶ شدت گرفته است. محو غیرمنتظره و آسان آنچه رژیم ونزوئلا و حامیان‌ش، از جمله دولت کوبا، انقلاب بولیواری^۹ می‌نامیدند و تحت کنترل درآوردن دولت ونزوئلا توسط واشنگتن، همچنین به ارسال نفت به کوبا خاتمه داد. مقاله‌ای در نیویورک تایمز ۱۱ ژوئیه تشریح می‌کند که چگونه مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، از دفتر خود در واشنگتن سیاست‌گذاری در ونزوئلا را اداره می‌کند (پیچر و کورمانوف ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۶). در ۲۹ ژانویه ۲۰۲۶، ترامپ با ادعای وضعیت اضطراری ملی اعلام کرد هر کشوری نفت به کوبا صادر می‌کند مورد تعرفه‌ی سنگین آمریکا قرار خواهد گرفت.

مقامات ارشد آمریکایی اعلام کرده‌اند که هدف این اقدامات ایجاد آزادسازی سیاسی و اقتصادی در کوبا است، از جمله احتمالاً برکناری رئیس‌جمهور دیاز-کانل از قدرت. مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، در ۱۷ مارس گفت: «کوبا اقتصادی دارد که کار نمی‌کند و نظام سیاسی و حکومتی‌اش نمی‌تواند آن را اصلاح کند. پس باید به‌طور چشمگیری تغییر کنند» و اضافه کرد که «آن‌ها باید تصمیمات بزرگی اتخاذ کنند.» (شورای روابط خارجی، ۳۱ مارس ۲۰۲۶).

در ۲۰ مه ۲۰۲۶، دادستانی کل آمریکا،^{۱۰} راثول کاسترو، وزیر دفاع سابق کوبا، دبیر اول پیشین کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست و رئیس‌جمهور پیشین کوبا، را به اتهام قتل و توطئه در مرگ چهار نفر از گروه «برادران برای نجات»^{۱۱} در سال ۱۹۹۶ متهم

کرد. رهبر «برادران برای نجات» یک مأمور سابق سیا بود و این گروه برای سرنگونی دولت کوبا کمپین می‌کرد. راثول کاسترو همراه با پنج نفر دیگر در این پرونده متهم شد و به این ترتیب زمینه‌سازی برای مداخله‌ی آمریکا نظامی آمریکا در کوبا انجام شد. (نیری، ۳۰ مه ۲۰۲۶).

در همین حال، مطبوعات آمریکا مذاکرات محرمانه بین ایالات متحده و کوبا را فاش کردند که بعداً دولت کوبا آن را تأیید کرد. (مک دانل و دیگران ۱۳ مارس ۲۰۲۶). در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶، میگل دیاز-کانل، دبیر اول کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست و رئیس‌جمهور کوبا، اعلام کرد که دولت مجموعه‌ی گسترده‌ای از اصلاحات ساختاری در اقتصاد را عرضه خواهد کرد. در ۱۷ ژوئن ۲۰۲۶، جلسه‌ی فوق‌العاده‌ی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست در کاخ انقلاب برگزار شد و این اقدامات را با رأی مثبت جمعی تصویب کرد. در ۱۸ ژوئن ۲۰۲۶، این مجموعه از اصلاحات به‌طور رسمی توسط «مجلس ملی قدرت مردم» تصویب شد. نخست‌وزیر مانوئل ماررو کرو^{۱۲} ۱۷۶ طرح اصلاحی را که گسترده‌ترین آزادسازی اقتصاد در کوبا را نشان می‌دهد عرضه کرد.

این مجموعه اصلاحات برای اجرا در ۲۳ حوزه‌ی اساسی سازماندهی شده است. از جمله مهم‌ترین مهم‌ترین آنها موارد زیر است: ایجاد فضای بسیار بیشتر برای توسعه‌ی بازار سرمایه از طریق ایجاد خودمختاری بیشتر در شرکت‌های دولتی در تعیین حقوق و قیمت‌ها بر اساس شرایط بازار و حذف سقف استخدامی ۱۰۰ نفر کارکن در شرکت‌ها؛ اجازه‌ی مالکیت کسب‌وکار خصوصی متعدد برای افراد؛ لغو الزام سرمایه‌گذاران خارجی برای همکاری با شرکت‌های دولتی؛ و قانونی کردن سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌داران داخلی و خارجی - از جمله توسط کوبایی‌های مقیم خارج - و امکان خرید سهام در شرکت‌های دولتی. این اصلاحات همچنین شامل اجازه‌ی ایجاد بانک‌های خصوصی، آزادتر کردن تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری در املاک،... می‌شود.

این اصلاحات همچنین رسماً بازار کار سرمایه‌داری را ایجاد می‌کند، برنامه‌های دولتی رفاه اجتماعی را حذف می‌کند یا کاهش می‌دهد، از جمله توقف ارائه‌ی سبد کالاهای اساسی کوپنی توسط دولت - *لیبرتاد* - که از سال ۱۹۶۲ برقرار بوده است، و جایگزینی آن با یارانه‌های هدفمند برای گروه‌هایی از شهروندان که دولت نیازمند تلقی

می‌کند و خصوصی‌سازی خانه‌های دولتی سالمندان. به‌طور خلاصه، برنامه‌های رفاهی اجتماعی منحل یا با محدود شدن به گروه‌های اجتماعی که توسط دولت نیازمند تلقی می‌شوند، تقلیل خواهند یافت.

در مجموع، این اصلاحات بازارهای خصوصی یا نیمه‌خصوصی برای تولید و مصرف ایجاد خواهند کرد و یکی از ارکان اقتصاد اجتماعی‌شده‌ی کوبا را حذف خواهد کرد. رهبری حزب کمونیست کوبا الگوی چین و ویتنام را که «سوسیالیسم بازار» می‌نامند تأیید و تقلید می‌کنند. با این حال، چین و ویتنام اقتصادهایی دارند که ویژگی‌های عمده‌ی اقتصاد سرمایه‌داری را دارند: بیشتر اشتغال اکنون خارج از بخش سنتی دولتی است، کسب‌وکارهای خصوصی با هدف سودجویی فعالیت و نیروی کار مزدبگیر استخدام می‌کنند، سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌داران داخلی و خارجی انجام می‌شود و بازار کار دستمزدها و اکثر قیمت‌ها را تعیین می‌کند، رقابت، ورشکستگی و سود نقش مرکزی در تخصیص منابع دارند، و هر دو کشور از طریق تجارت خارجی آزاد عمیقاً در سرمایه‌داری جهانی ادغام شده‌اند. بر اساس این معیارها، بسیاری از اقتصاددانان اقتصاد چین و ویتنام را سرمایه‌داری توصیف می‌کنند، هرچند با بخش‌های دولتی بسیار بزرگ.

توضیحات رسمی برای اصلاحات

دباز-کانل (۱۸ ژوئن ۲۰۲۶) این اصلاحات را در چارچوب تعرض کم‌سابقه‌ی دولت ایالات متحده، از جمله محاصره‌ی نفتی و تهاجم ایدئولوژیکی و سیاسی که به گفته‌ی او باعث سردرگمی مردم کوبا شده است، معرفی می‌کند. او استدلال کرده است که ترامپ قصد دارد اعتراضات گسترده‌ی ایجاد کند تا بهانه‌ای برای مداخله‌ی نظامی در کوبا فراهم کند (۶ ژوئن ۲۰۲۶). تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کنند که اقتصاد کوبا در سال ۲۰۲۶ کوچک‌تر شود. بر اساس گزارش کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین و کارائیب (ECLAC)، کوبا از نظر مدیریت کلان‌اقتصادی در میان ۲۷ کشور آمریکای لاتین و کارائیب در رتبه‌ی آخر قرار دارد و اقتصاددان الیاس آمور تخمین می‌زند که تولید ناخالص داخلی کوبا امسال ۶.۵٪ کاهش خواهد یافت که بالاترین کاهش در منطقه است (مندوسا، ۲۰۲۶).

رهبری حزب کمونیست این اصلاحات را پیشرو برای حفظ «سوسیالیسم» معرفی کرده است. در ادامه توضیح خواهیم داد که چرا این استدالات قابل تردید است. نخست‌وزیر ماررو که از سال ۲۰۱۹ در این سمت است، به مجلس ملی قدرت مردم گفت که این اصلاحات از آن‌روست که بازار «بزاری برای تخصیص بهینه‌ی منابع» است. این ادعا نمایانگر یک تجدیدنظر اساسی نظری و ایدئولوژیک در الگوی اقتصادی کوبا از اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد است.

ماررو، از رهبران حزب کمونیست، توجه نمی‌کند که ادعای این که بازار «بزاری برای تخصیص بهینه‌ی منابع» است برخلاف دیدگاه مارکسیستی و همسو با اقتصاددانان بورژوا از آدام اسمیت تا اقتصاددانان نئوکلاسیک قرن نوزدهم تا فریدریش هایک و اقتصاددانان مکتب اتریشی است! در واقع، این هایک، مخالف سرسخت سوسیالیسم و برنامه‌ریزی مرکزی، بود که در کتاب «راهی به سوی بندگی» (۱۹۴۴) درباره‌ی خطر استبداد که به‌طور اجتناب‌ناپذیر از کنترل دولت بر تصمیمات اقتصادی ناشی می‌شود، هشدار داد.^{۱۳} این همچنین ادعایی است که جان مینارد کینز (۱۹۳۶) در نظریه‌ی عمومی/اشتغال، بهره و پول مورد مناقشه قرار داده است.^{۱۴}

ماررو همچنین گویا با نظریه‌ی ارزش کار مارکس (قانون ارزش) در اثر بزرگاش «سرمایه» آشنا نیست. آیا مارکس در جلد دوم سرمایه توضیح نداد که بحران‌های کم‌مصرفی/تولید بیش از حد و نامتناسب شدن بخش ۱ (کالا‌های سرمایه) و بخش ۲ (کالا‌های مصرفی) در اقتصادهای سرمایه‌داری رخ خواهد داد؟ آیا مارکس بحران درازمدت و چرخه‌ی طولانی ناشی از گرایش نرخ متوسط سود به کاهش در جلد سوم سرمایه را تشریح نکرد؟ آیا اقتصادهای سرمایه‌داری بحران‌های چرخه‌ای و رکودهای طولانی‌تر و عمیق‌تر، مانند رکودهای دهه‌ی ۱۹۳۰ و اخیراً رکود بزرگ ۲۰۰۸-۲۰۱۱ را تجربه نکرده‌اند؟

شگفت‌آورتر این‌که، هیچ کس در کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست یا مجلس ملی قدرت مردم اعتراضی به حمایت بی‌چون‌وچرای ماررو از بازار سرمایه‌داری به‌عنوان بهترین تنظیم‌کننده‌ی اقتصاد کوبا که رهبری حزب کمونیست معتقد است از «سوسیالیسم» حمایت خواهد کرد، ابراز نکرد.

میگل ماریو دیاز-کانل نیز توضیح زیر را برای اصلاحات اتخاذ شده ارائه داد. «تحولات پیشنهادی ما با هدف پیشبرد دفاع از سوسیالیسم، حمایت و گسترش عدالت اجتماعی، و ایجاد ثروت اقتصادی و توزیع عادلانه‌ی آن است. بدون ثروت، چیزی برای توزیع وجود ندارد؛ ما در واقع درباره‌ی عدالت اجتماعی به صورت انتزاعی صحبت می‌کنیم. عدالت اجتماعی همان‌طور که انقلاب تصور کرد - با مأموریت انسانی اش جهت کمک به محروم‌ترین‌ها، معمولاً از طریق برنامه‌ها و پروژه‌های رفاهی رایگان - که برای مردم هزینه‌ای ندارد، اما برای دولت هزینه دارد. و برای اجرای آن، عمیق‌تر کردن آن، و حفظ آن، دولت به ثروت نیاز دارد - و ما باید خودمان آن ثروت را تولید کنیم. اگر ثروتی وجود نداشته باشد، عدالت اجتماعی هم نیست و بقیه‌ی چیزها افسانه‌اند! یا تحت این شرایط تولید می‌کنیم، ثروت خلق می‌کنیم و سپس آن را برای عدالت اجتماعی و عدالت توزیع می‌کنیم - نه جهت برابری طلبی. این چالش است!

«ما باید نیروهای مولد را آزاد کنیم تا تولید بیشتری داشته باشیم نه محدودیت‌های بیشتر، زیرا ثابت شده است که کنترل بدون عرضه فقط عملیات را به بازار غیررسمی سوق می‌دهد.»

بنابراین، دیاز کانل ادعا می‌کند که اصلاحات بازار آزاد «دفاع از سوسیالیسم، حمایت و گسترش عدالت اجتماعی، ایجاد ثروت اقتصادی و توزیع عادلانه‌ی آن را پیش خواهد برد!» باین حال، این باور که اجازه‌دادن به شکل‌گیری طبقه‌ی جدیدی از سرمایه‌داران که توسط قانون محافظت می‌شوند، «سوسیالیسم» را حفظ خواهد کرد یا این که ثروت ایجاد شده توسط سرمایه‌داری را می‌توان به‌طور عادلانه توزیع کرد، دشوار است. آیا مارکس استدلال نکرد که اقتصادهای سرمایه‌داری تمایل به تمرکز سرمایه و ثروت در دست‌های کم‌تری دارد؟ آیا درست نیست که امروز در کشورهای غربی، نابرابری درآمد یک مشکل عمده است و مقرون به‌صرفه بودن^{۱۵} که به مفهوم مارکسیستی افول دستمزد واقعی کارگران است، به‌ویژه در کشورهایی که بازارهای کم‌تر تنظیم‌شده رایج است، مانند ایالات متحده، نگرانی محسوب می‌شود؟

در هر دو کشور چین و ویتنام، الگوهایی که حزب کمونیست کوبا قصد پیروی از آن‌ها را دارد، شاهد افزایش نابرابری درآمدی بوده ایم. در چین، ضریب جینی،^{۱۶} که معیار رایج نابرابری درآمد است، نوساناتی داشته که نشان‌دهنده‌ی افزایش نابرابری، به‌ویژه بین مناطق شهری و روستایی است. داده‌های اخیر، حاکی از ضریب جینی حدود ۰.۴۷ است که نشان‌دهنده‌ی تفاوت‌های قابل توجه است. به همین ترتیب، ویتنام شاهد افزایش نابرابری درآمدی بوده است و ضریب جینی آن حدود ۰.۳۵ برآورد شده است. این موضوع نشان‌دهنده‌ی شکاف فزاینده‌ای است، به‌ویژه در سطح درآمد بین شهری‌ها و روستایی‌ها.

آنچه در چین و ویتنام سوسیالیسم بازار نامیده می‌شود، اقتصاد بازاری است که تحت نظارت حزب کمونیست قرار دارد. با این حال، موفقیت چین در مدرن‌سازی و صنعتی شدن در ویتنام تکرار نشده است و در هر مورد، کنار آمدن با امپریالیسم آمریکا برای امکان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صنعتی‌سازی مبتنی بر صادرات ضروری بوده است.

آیا حزب کمونیست کوبا نیز قصد دارد واشنگتن را راضی کند تا اصلاحات پیشنهادی‌اش موفق شود؟ همان‌طور که مقاله‌ای در نیویورک تایمز درباره‌ی اصلاحات نوشت: «کارشناسان می‌گویند دولت کوبا با مشکل جدی اعتبار مواجه است. مقامات قبلاً تغییرات اقتصادی را اعلام کرده‌اند، اما بدون توضیح آن‌ها را پس گرفته‌اند. کوبا فاقد حاکمیت قانون و تفکیک قوا است و اغلب از پرداخت هزینه‌های خود کوتاهی می‌کند. این محیط کسب‌وکار به شدت همراه با ریسک است.» (روبلز و آدامز، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۶).

مشکل بهره‌وری نازل نیروی کار

دپاز کانل اذعان می‌کند که کوبا با مشکل تشدید بهره‌وری نازل نیروی کار مواجه است و سوسیالیسم بدون افزایش ثروت غیرممکن است. بنابراین، دپاز-کانل اذعان می‌کند که کوبا ۶۵ سال پس از آن که فیدل کاسترو سوسیالیسم را هدف انقلاب کوبا اعلام کرد، ثروت کافی برای توسعه‌ی سوسیالیسم ایجاد نکرده است. باید برای دپاز-

کوبا: به‌سوی سرمایه‌داری

کانل و رهبری حزب کمونیست کوبا این پرسش را مطرح کرد که چرا نتوانسته‌اند بهره‌وری نیروی کار را افزایش دهند تا ثروت بیشتری برای حمایت از گذار به سوسیالیسم ایجاد کنند.

مناظره‌ی بزرگ (۱۹۶۳-۱۹۶۵) و پیامد آن

دiaz کانل و هیچ فرد دیگری در رهبری حزب کمونیست کوبا گویا اهمیت مناظره‌ی بزرگ ۱۹۶۳-۱۹۶۵ در کوبا را به‌خاطر ندارند؛ مناظره‌ای که به‌طور کتبی و علنی برگزار شد و نظریه‌پردازان مارکسیست برجسته‌ی بین‌المللی مانند ارنست مندل و شارل بتلهایم در آن حضور داشتند. از جانب کوبایی‌ها، مشارکت‌کنندگان اصلی ارنستو چه‌گوارا و رهبران حزب سوسیالیست مردمی (PSP)،^{۱۷} حزب طرفدار مسکو، بودند. رهبران PSP با پیروی از اتحاد جماهیر شوروی، استدلال کردند که گذار به سوسیالیسم باید به‌انگیزه‌های مادی متکی باشد. این اکنون موضع رهبری حزب کمونیست کوبا در پیشنهاد اصلاحات بازار آزاد است که ظاهراً برای حمایت از سوسیالیسم انجام شده است.

چه‌گوارا که رئیس بانک ملی و از ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۵ رئیس دپارتمان صنعتی‌سازی و وزیر صنایع بود، بحث را با انتشار مقاله‌ای در شماره‌ی اول مجله‌ی وزارت صنعت، «صنعت ما»، آغاز کرد که دیدگاه اتحاد جماهیر شوروی درباره‌ی توسعه‌ی سوسیالیستی را نقد می‌کرد. در مخالفت با سیستم تأمین مالی خودکار¹⁸ (AFS) شوروی که در آن شرکت‌ها با وام‌گیری از بانک‌ها با نرخ بهره سرمایه‌گذاری می‌کردند، در طرح پیشنهادی گوارا که بعدها آن را سیستم تأمین مالی بودجه‌ای (BFS)^{۱۹} نامید، شرکت‌ها توسط بودجه‌ی دولتی تأمین مالی می‌شوند. آلبرتو مورا، وزیر تجارت خارجی، در مجله‌ی «تجارت خارجی»، نشریه‌ی وزارتخانه‌ی خود، بدون نام‌بردن از گوارا پاسخ داد و نوشت که «برخی رفقا معتقدند نظریه‌ی ارزش اضافی مارکس در بخش دولتی اقتصاد کوبا کارآمد نیست.» (مورا ۱۹۶۳ در سیلورمن ۱۹۷۳، ص. ۲۱۹)

گوارا پاسخ مفصلی در شماره‌ی سوم مجله‌ی «صنعت ما» با عنوان «درباره‌ی مفهوم ارزش و پاسخی به برخی اظهارات درباره‌ی این موضوع» نوشت (سیلورمن ۱۹۷۳، فصل

۱۰). او استدلال کرد که قانون ارزش به دلیل نفوذ شدید بازار تحریف می‌شود و نیازمند مداخله‌ی دولت برای هدایت اقتصاد از طریق برنامه‌ریزی اقتصادی است. این موضوع او را در کنار وزیر خزانه‌داری، لوئیس آلوآرز، قرار داد، در حالی که رولاندو دیاز و مارسلو فرناندز هم جایگاه مورا را داشتند. اگرچه هیچ‌یک از طرفداران مدل شوروی رهبران یا اعضای سابق حزب سوسیالیست مردمی PSP نبودند، اما همه‌ی آن‌ها به مشاوران اتحاد جماهیر شوروی تکیه داشتند (تایبو ۱۹۹۷II، صفحات ۳۶۸-۳۶۶).

بحث مفصل این دو دیدگاه خارج از حوصله‌ی این نوشته است. خواننده‌ی علاقمند می‌تواند به نوشته‌ی من در مورد اندیشه‌های اقتصادی و سیاسی چه گوارا رجوع کند. (نیری ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳). اساس اختلاف نظر این بود که گوارا در عین حال که موافق استفاده از انگیزه‌ی مادی بود وزنه‌ی عمده را به ایجاد انگیزه‌ی سوسیالیستی در بین مردم کارگر کوبا از طریق کار سیاسی می‌داد. در ادامه توضیح خواهیم داد که رهبری حزب کمونیست کوبا هرگز نظریه‌ی چه گوارا را نپذیرفتند و به اجرا در نیاوردند، برعکس از آن زمان تا به امروز نظریه‌ی استالینیستی گذار به سوسیالیسم که ترکیبی از انگیزه‌های مادی و مداخلات دیوان سالانه در اقتصاد و جامعه بود به اجرا درآمده است و این باعث میزان نازل بهره‌وری کار در کوبا بوده است. گوارا خواهان جایگزینی تدریجی آگاهی کمونیستی به جای تولید و کار برای انگیزه‌ی مادی بود. درست عکس نظریه‌ی استالین.

در تجدیدنظری اساسی در نظریه‌ی سوسیالیسم مارکس، استالین (۱۹۵۱) مدعی شد که قانون ارزش می‌تواند و باید برای گذار به سوسیالیسم به کار رود. این موضع بازتابی از تجدیدنظرطلبی ادوارد برنشتاین (۱۸۹۹) است که معتقد بود قانون ارزش گذار مسالمت‌آمیز به سوسیالیسم از طریق اصلاحات نظام سرمایه‌داری را ممکن می‌سازد.

این دیدگاه بعدها در کتاب راهنمای اقتصاد سیاسی که توسط مؤسسه‌ی اقتصاد آکادمی علوم/اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۵۴ منتشر شد، «نظریه‌پرداز» شد. نقد گوارا بر «سوسیالیسم» در اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی را یافه چنین خلاصه کرد:

«در حالی که شوروی‌ها و چک‌ها ادعا می‌کردند این مرحله‌ی اول [سوسیالیسم] را پشت سر گذاشته‌اند، به نظر گوارا این ادعا به دلیل ادامه‌ی وجود مالکیت خصوصی در هر دو کشور به‌طور عینی نادرست بود. گوارا گفت اشتباه این بود که اقتصاد سیاسی جدید هنوز کامل نشده بود و فرایند آن نیز مورد مطالعه قرار نگرفته بود. در نتیجه، عملکرد اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان قوانین فرضی جامعه‌ی سوسیالیستی ارائه شده بود.» (یافه، ۲۰۰۹، ص. ۲۳۶، تأکید افزوده شده است)

در نوامبر ۱۹۶۰، گوارا یک مأموریت تجاری دو ماهه به اتحاد جماهیر شوروی، آلمان شرقی، چکسلواکی، چین و کره شمالی را رهبری کرد. در دوران اقامت در اتحاد جماهیر شوروی، از یک کارخانه‌ی مدل‌سازی بازدید کرد. او به اعضای هیئت خود گفت: «این یک کارخانه‌ی سرمایه‌داری است مانند کارخانه‌های کوبا پیش از ملی‌سازی» (تایبو ۱۹۹۷، ص. ۳۸۷). او همچنین به آن‌ها گفت: «اتحاد جماهیر شوروی از نظر اقتصادی در مسیر بسته‌ای قرار داشت و تحت سلطه‌ی بوروکراسی بود (همان منبع). در عین حال، اما گوارا معتقد بود که اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شوروی «سوسیالیستی» هستند.

آنچه عموماً شناخته‌شده نیست این است که دیدگاه گوارا درباره‌ی اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای اروپای شرقی کاملاً مخالف فیدل کاسترو بود. در سال ۲۰۰۶، کاسترو هنوز معتقد بود که اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی سوسیالیست و برتر از غرب سرمایه‌داری بودند (نیری، ۲۴ اسفند ۱۴۰۲). هیچ بحث عمیقی درباره‌ی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در حزب کمونیست کوبا صورت نگرفت. دیدگاه رسمی این بود که این اتفاق ناشی از اشتباه رهبری و مداخله‌ی امپریالیستی بوده است. پس از تشکیل حزب کمونیست در سال ۱۹۶۵، رهبران پیشین حزب سوسیالیست مردمی نقش‌های کلیدی رهبری در دولت و حزب کمونیست را برعهده گرفتند. در سال ۱۹۷۲، کوبا به «کومکون» COMECON پیوست و مدل شوروی به‌طور رسمی در سال ۱۹۷۵ پذیرفته شد.

در سومین کنگره‌ی حزب در سال ۱۹۸۶، فیدل کاسترو اعتراف کرد که مدل شوروی در کوبا منجر به فساد و تضعیف روحیه‌ی کارگران شده است. او مدل اتحاد جماهیر شوروی را «بدتر از سرمایه‌داری» خواند. همان کنگره خواستار بازگشت به نظریه‌ی گذار گوارا به سوسیالیسم شد، اما هیچ نتیجه‌ای حاصل نشد. سال بعد، کتاب کارلوس تابلادا درباره‌ی نظریه‌ی گوارا درباره‌ی گذار به سوسیالیسم منتشر شد و جایزه‌ی Casa de las Américas را دریافت کرد. تا سال ۱۹۹۱، اتحاد جماهیر شوروی فروپاشیده بود و کوبا دچار رکود اقتصادی شد. حزب کمونیست کوبا سیاست‌های آزادسازی بازار را در دوره‌ای که آن را دوره‌ی ویژه در زمان صلح می‌نامید، اتخاذ کرد. در ابتدا، به عنوان یک وضعیت اضطراری برای بازگشت به چشم‌انداز تعیین‌شده توسط کنگره‌ی ۱۹۸۶ این مسیر را دنبال کرد. اما این روند به سوی اقتصاد سرمایه‌داری از آن زمان تاکنون ادامه یافته است. اصلاحات کنونی گامی مهم در جهت تثبیت این مسیر از طریق توسعه‌ی بازارهای سرمایه‌دارانه‌ی کار و سرمایه قانونی و گشودن اقتصاد کوبا به دینامیک‌های اقتصاد سرمایه‌داری جهانی است. این مسیر کشورهای سابق «سوسیالیستی» در سایر نقاط جهان است (من کره شمالی را کنار می‌گذارم که کم‌تر کسی آن را سوسیالیستی می‌داند).

دیدگاه مارکس درباره‌ی انقلاب سوسیالیستی

پیش از پایان این مقاله، مهم است که به یاد بیاوریم مارکس و انگلس در «مانیفست کمونیست» (۱۸۴۸) سوسیالیسم را فرآیندی تصور کردند که در آن پرولتاریا به عنوان یک طبقه «به تدریج تمام سرمایه را از بورژوازی می‌گیرد» تا «تمام ابزارهای تولید را در دست دولت [کارگران] متمرکز کند» که آنها را کنترل می‌کند و از آنها برای افزایش سریع نیروهای مولد استفاده می‌کند. دولت کارگری مالکیت بر زمین را لغو خواهد کرد و مالکیت کسانی را که از انقلاب فرار می‌کنند یا علیه آن شورش می‌کنند، ملی خواهد کرد. سایر شرکت‌ها به تدریج به دولت کارگری منتقل خواهند شد. هدف، انجمن تولیدکنندگان است که در آن «توسعه‌ی آزاد هر فرد شرط رشد آزاد

کوبا: به‌سوی سرمایه‌داری

همگان باشد.» بنابراین، دموکراسی سوسیالیستی و آزادی فردی سنگ‌بنای انقلاب سوسیالیستی هستند.

برای مارکس، گام‌های پیشرو در جامعه‌ی سرمایه‌داری، مانند مالیات تصاعدی، ملی‌سازی شرکت‌ها و صنایع ترجیحاً تحت کنترل کارگران، رفاه اجتماعی، مراقبت‌های بهداشتی و اجتماعی، آموزش رایگان همگانی، فضاهای فرهنگی رایگان، انسانی‌سازی کار از طریق قوانین کار و کنترل کارگران، به تدارک برای گذار به سوسیالیسم کمک می‌کنند.

در دولت کارگری، ارتش حرفه‌ای جای خود را به شبه نظامیان مردمی کارگر خواهد داد؛ اقداماتی برای دستیابی به برابری برای محرومان و در نهایت برابری شرایط زندگی برای همه اتخاذ خواهد شد.

کلید این فرآیند، خودسازماندهی و فعالیت خودجوش مردم کارگر برای از بین بردن همه‌ی اشکال بیگانگی، تابعیت و بهره‌کشی است (مارکس ۱۸۴۴، ۱۸۶۴؛ فروم، ۱۹۶۱؛ درپیر، ۱۹۷۱).

در نقد برنامه‌ی *گوتا* (۱۸۷۵)، مارکس مرحله‌ی پایینی و بالایی کمونیسم را تصور می‌کند. مرحله‌ی پایینی با فتح قدرت دولتی توسط *پرولتاریا* آغاز می‌شود (نه توسط پیشگامانی مانند حزب یا جنبش چریکی). در عین حال، جامعه‌ی نوظهور هنوز پایه‌ی اقتصادی خود را ندارد. مرحله‌ی بالایی کمونیسم با ناپدیدشدن «تابعیت برده‌وار فرد در برابر تقسیم کار» آغاز می‌شود. در مرحله‌ی نخست، کالاها و خدمات بر اساس اصل بورژوازی «به هرکس بر اساس سهم خود» توزیع می‌شوند. وقتی چنین تقسیم کار و «تضاد بین کار ذهنی و جسمی» از بین برود، کالاها و خدمات بر اساس اصل سوسیالیستی «به هرکس بر اساس نیازش» توزیع خواهند شد. اکثر سوسیالیست‌ها مرحله‌ی اول کمونیسم را سوسیالیسم می‌دانند.

این گونه بود که مارکس گذار جامعه‌ی بورژوازی را پس از یک انقلاب سوسیالیستی موفق به رهبری پرولتاریا به سوی سوسیالیسم تصور می‌کرد.

مارکس پیش‌بینی می‌کرد که انقلاب سوسیالیستی در اروپای غربی، که آن زمان پیشرفته‌ترین منطقه‌ی صنعتی جهان بود، آغاز خواهد شد. همان‌طور که می‌دانیم،

پیش‌بینی مارکس به دلیل ظهور اشرافیت کارگری و بوروکراسی که از وضعیت موجود سود می‌بردند، تحقق نیافت.

در عوض، پرولتاریای نوپا و نسبتاً کوچک در جامعه‌ی عمدتاً دهقانی روسیه در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ به قدرت رسید. به قدرت رسیدن شوراها‌ی نمایندگان کارگری، دهقانی و سربازان به رهبری حزب بلشویک، راه را برای انقلاب سوسیالیستی هموار کرد.

رهبری حزب کمونیست کوبا معتقد است که کوبا سوسیالیستی است. جالب است یادآور شویم که لنین جمهوری شوروی را در چندین زمینه‌ی مختلف بین سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۲ به‌عنوان سرمایه‌داری دولتی توصیف کرده بود.^{۲۰}

انقلاب‌های روسیه در سال ۱۹۱۷ توسط شوراها انجام شد، در مورد انقلاب اکتبر، به رهبری حزب بلشویک، شوراها سازمان‌های سیاسی انتخابی بودند که به‌سرعت از نهادهای دموکراسی انقلابی به نهادهای قدرت دولتی و دولت‌های محلی تبدیل شدند (اسمیرنوف، ۱۹۹۷، در اکتون، شرنیوف و روزبرگ ویراستاران، ۱۹۹۷، صفحات ۴۲۹-۴۵۶).

انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹ یک انقلاب ملی دموکراتیک بود، نه انقلابی سوسیالیستی، که به رهبری جنبش ۲۶ ژوئیه فیدل کاسترو که عمدتاً از طرف دهقانان کوبایی حمایت می‌شد، به پیروزی رسید. طبقه‌ی کارگر، که بخش‌های کوچکی از آن در اتحادیه‌هایی که برخی تحت رهبری حزب سوسیالیست مردمی استالینیست سازماندهی شده بودند، زمانی به انقلاب پیوست که پیروزی بر باتیستا نزدیک بود. در حالی که رهبری فیدل کاسترو تلاش کرد تا برنامه‌اش را که متن سخنرانی کاسترو در مقام دفاعیات او در دادگاه بود که بعداً تحت عنوان «[تاریخ مرا تبرئه خواهد کرد](#)» (۱۹۵۳) منتشر شد، اجرا کند، رهبری انقلابی مجبور به ملی کردن اموال زمین‌داران بزرگ و بنگاه‌های سرمایه‌داری، و برخی از شرکت‌های آمریکایی شد. این امر به خصومت امپریالیستی آمریکا که بازار اصلی برای اقتصاد کوبا بود دامن زد. دولت آمریکا با قطع تجارت با کوبا و رهبری انقلاب کوبا مجبور به ایجاد روابط تجاری با اتحاد شوروی و اروپای شرقی شد. نزدیک شدن کوبا به بلوک شرق دولت آمریکا را جری‌تر کرد. در ۱۷ آوریل ۱۹۶۱ گروهی از ضدانقلابی‌های کوبایی که توسط آمریکا متشکل و مسلح شده

بودند در خلیج خوک‌ها پیاده شدند تا انقلاب را سرنگون کنند. اما رهبری انقلاب با بسیج انقلابیون ظرف ۴۸ ساعت آنها را شکست دادند و بسیاری را به اسارت گرفتند. در اول مه ۱۹۶۱، فیدل کاسترو جهت‌گیری انقلاب کوبا را سوسیالیستی اعلام کرد. با این حال، کوبا هرگز انقلاب سوسیالیستی به معنای مارکسی را تجربه نکرده است؛ انقلابی به رهبری پرولتاریای خودسازمانده و خودبسیج کننده. در سال ۱۹۶۵، به ابتکار فیدل کاسترو سه جریان سیاسی در انقلاب کوبا در حزب کمونیست کوبا ادغام شدند: جنبش ۲۶ ژوئیه، حزب سوسیالیست مردمی، و رهبری انقلابی دانشجویان^{۲۱} که یک گروه چریکی کوچک بود.

به همین دلیل است که رهبری حزب کمونیست کوبا همیشه از انقلاب بعنوان امری اخص منصوب به رهبری آن از فیدل کاسترو تا به امروز یاد می‌کند نه از حرکت توده‌ای مردم کارگر و تشکلهای انقلابی آنها. متأسفانه شخص فیدل کاسترو که طی سال‌های دهه‌ی ۱۹۵۰ در دانشگاه هوانا تحصیل می‌کرد و به سوسیالیسم رو آورد حزب سوسیالیست مردمی هوادار مسکو را «مارکسیت-لنینیست» دانست و معتقد بود اتحاد جماهیر شوروی همواره سوسیالیست بوده است. همان طور که نشان داده‌ام (نیری، ۲۴ اسفند ۱۴۰۲) کاسترو آشنایی کمی با نوشته‌های مارکس و انگلس داشت. در سال ۲۰۰۶، در مصاحبه اش با ایگناسیو رامونت، سردبیر لوموند دیپلماتیک، کاسترو از خود می‌پرسد: «... مارکسیسم چیست؟ سوسیالیسم چیست؟» او سپس پاسخ می‌دهد: «آنها تعریف روشنی ندارند» (کاسترو و رامونت، ۲۰۰۶، ص. ۳۸۹).

پیش‌تر نشان داده‌ام (نیری، ۲۵ مهر ۱۴۰۳) که انقلاب کوبا، و همچنین دیگر انقلاب‌های موفق قرن بیستم، بعد از انقلاب سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، یعنی انقلاب چین، ویتنام، کره شمالی و یوگسلاوی که توسط احزاب استالینیستی رهبری شده‌اند، انقلاب‌های ملی دموکراتیک بوده‌اند که منجر به ایجاد دولت‌های تک‌حزبی شده‌اند که هدف‌شان استقلال، توسعه‌ی اقتصادی و صنعتی شدن بوده است. این رهبران از «سوسیالیسم» به عنوان چشم‌اندازی بسیج‌کننده برای انگیزه‌دادن به مردم کارگر جهت مشارکت در برنامه‌ها و سیاست‌های خود استفاده کرده‌اند. آنها همچنین به درجات مختلف به دلایل مشابه اقدامات رفاهی «سوسیالیستی» انجام داده‌اند.

تولید اجتماعی مردم کارگر به سه نحو تخصیص می‌یابد: از طریق بازار (مانند کشورهای سرمایه‌داری)، از طریق دولت (همچون برنامه‌ریزی مرکزی توسط دیوان‌سالاران و نخبه‌ها)، و از طریق دموکراسی سوسیالیستی با شرکت فعال خود مردم کارگر. همان‌طور که شرح دادم نظام حاکم در شوروی ترکیبی از برنامه‌ریزی دیوان‌سالارانه توسط نخبگان همراه با انگیزه‌های مادی برای کارگران بود. نقد چه‌گوارا استفاده از قانون ارزش در این نظام از طریق انگیزه‌های مالی بود. اما همان‌طور که ارنست مندل برای گوارا شرح داد بدون دموکراسی سوسیالیستی نظام پیشنهادی او موفق به بسیج نیروی خلاق مردم کارگر نمی‌شود. متأسفانه گوارا به ضرورت مطلق دموکراسی سوسیالیستی قانع نشد (توسن، ۱۲ ژانویه ۲۰۲۴). این فقدان توجه به اهمیت اساسی دموکراسی سوسیالیستی مهم‌ترین نقطه ضعف در نظریه‌ی گذار چه‌گوارا بود (نیری، ۷ اردیبهشت ۱۴۰۳).

حزب کمونیست کوبا همیشه از بازار و دیوان‌سالاری دولتی برای سازماندهی اقتصاد و جامعه‌ی کوبا استفاده کرده است. اما هرگز تلاش نکرده است که فضایی مناسب برای خودسازماندهی و خودجوشی مردم کارگر کوبا فراهم کند. هر از گاهی مانند سال‌های اول «دوره‌ی ویژه در زمان صلح» این حزب جلسات مشورتی وسیع در سراسر کشور برای مردم کارگر در محل کار و محله‌ها برگزار کرده و پیشنهادهای مردم را موردنظر قرار داده است. اما این امر جایگزین دموکراسی سوسیالیستی نمی‌شود.

اصلاحات بازار آزاد کنونی فاقد هرگونه اقدام برای ایجاد دموکراسی سوسیالیستی است و بر عکس بر حفظ نظام تک‌حزبی کوبا پافشاری می‌کند. از این‌روست که الگوی چین و ویتنام گزینه‌ی رهبری این حزب قرار گرفته است.

¹ Mario Diaz Canel

² Partido Comunista de Cuba, PCC.

³ Suprime la explotación del hombre por el hombre.

⁴ Trabajo por cuenta propia.

⁵ Periodo especial en tiempos de paz

⁶ Hugo Azcuy

^۷ کتاب در سال ۲۰۱۸ چاپ شده است.

^۸ CUP در زمان نگارش این مطلب، پزوی قابل تبدیل به دلار با نرخ ثابت است که دولت تعیین می‌کند.

^۹ سیمون بولیوار (Simón Bolívar 1783-1830) یک افسر نظامی و دولتمرد ونزوئلایی بود که کشورهای فعلی بولیوی، کلمبیا، اکوادور، پاناما، پرو و ونزوئلا را در استقلال از امپراتوری اسپانیا رهبری کرد. او به‌عنوان «آزادکننده»ی آمریکا شناخته می‌شود.

¹⁰ Justice Department

¹¹ Brothers to the Rescue

¹² Manuel Marrero Cruz

^{۱۳} من این ادعا را که برنامه‌ریزی مرکزی ذاتاً محکوم به شکست است رد کرده‌ام. رجوع کنید به نیری، ۲۰۰۴.

^{۱۴} کینز استدلال کرد که ادعای کلاسیک موسوم به قانون سه که عرضه تقاضای خود را ایجاد می‌کند، همیشه درست نیست؛ او همچنین استدلال کرد که کل هزینه‌ها در اقتصاد (تقاضای کل) فعالیت اقتصادی را هدایت می‌کند، نه فقط عرضه. کینز همچنین استدلال کرد که اگر کسب‌وکارها و مصرف‌کنندگان اعتماد خود را از دست بدهند، هزینه‌ها را همزمان کاهش می‌دهند که باعث کسر تقاضا می‌شود و در نتیجه بحران بیکاری و تولید بیش از مصرف به وجود می‌آید. بنابراین، بازار تخصیص‌دهنده‌ی کارآمدی برای منابع نیست. او همچنین استدلال کرد که دستمزدها و قیمت‌ها «چسبندگی» دارند (آن‌ها به‌راحتی برای تطبیق با تغییرات بازار که برای تخصیص بهینه‌ی منابع لازم است، تغییر نمی‌کنند). انتخاب‌های بازار با محاسبات کامل و منطقی هدایت نمی‌شوند، بلکه توسط «روح حیوانی» - امواجی از احساسات انسانی، خوش‌بینی و بدبینی هدایت می‌شوند. گاهی به‌دلیل عدم‌اعتماد به وضع موجود، سرمایه‌گذاران پول نقد را به جای سرمایه‌گذاری‌های مولد ذخیره می‌کنند. این رفتار احتکار سرمایه فعالیت اقتصادی ضروری را مختل می‌کند و به بحران می‌انجامد. در نهایت، کینز استدلال کرد که در بحران‌های عمیق، نرخ بهره می‌تواند به نزدیک صفر کاهش یابد، اما کسب‌وکارها و مصرف‌کنندگان همچنان از قرض گرفتن یا خرج کردن خودداری کنند. در این «دام نقدینگی»، بازار آزاد کاملاً در تحریک تقاضا یا تخصیص مؤثر منابع ناموفق خواهد بود.

¹⁵ Affordability

^{۱۶} ضریب چینی نابرابری را در مقیاسی از ۰ تا ۱ اندازه‌گیری می‌کند. مقادیر بالاتر نشان‌دهنده‌ی نابرابری بالاتر است. این شاخص گاهی به صورت درصدی از ۰ تا ۱۰۰٪ نشان داده می‌شود که به آن «شاخص چینی» گفته می‌شود. مقدار صفر نشان‌دهنده‌ی برابری کامل است: همه درآمد یکسانی دارند. مقدار یک نشان‌دهنده نابرابری کامل است، جایی که یک نفر تمام درآمد را دریافت می‌کند و بقیه هیچ درآمدی دریافت نمی‌کنند.

¹⁷ Partido Socialista Popular (PSP)

¹⁸ Auto-Finance System

¹⁹ Budgetary Finance System (BSF)

^{۲۰} «وظایف فوری دولت شوروی» (آوریل ۱۹۱۸)، «چپ‌روی کودکانه و ذهنیت خرده‌بورژوازی» (مه ۱۹۱۸)، «مالیات غیر نقدی» (۱۹۲۱) و «گزارش سیاسی به کنگره‌ی یازدهم حزب» (مارس ۱۹۲۲).
^{۲۱} Directorio Revolucionario Estudiantil

منابع فارسی

نیری، کامران. "[اندیشه‌های سیاسی فیدل کاسترو](#)". نقد اقتصاد سیاسی. ۲۴ اسفند ۱۴۰۲.
_____. "[اندیشه‌های اقتصادی و سیاسی ارنستو چه گوارا](#)". نقد اقتصاد سیاسی. ۷ اردیبهشت ۱۴۰۳.
_____. "[انقلاب کوبا و سایر انقلاب‌های سوسیالیستی قرن بیستم: یک ارزیابی مجدد](#)". نقد اقتصاد سیاسی. ۲۵ مهر ۱۴۰۳.

منابع انگلیسی

Acton, Edward, Vladimir Iu. Cherniaev and William G. Rosenberg. Political Companion to the Russian Revolution 1914-1921. Fidel Castro: A Spoken Autobiography. 2006.

Bastian, Hope. Everyday Adjustments in Havana: Economic Reforms, Mobility, and Emerging Inequalities. 2018.

Boobbyer, Clare. "In Cuba, There's No Food Shortage; It's a Wage Shortage. People Can't Afford to Get Food." adventure.com, June 24, 2026.

Castro, Fidel, and Ignacio Ramonet.

Council on Foreign Relations. "Trump's 'Maximum Pressure' Campaign on Cuba, Explained." March 31, 2026.

Díaz-Canel Bermúdez, Miguel Mario. "Cuba's President Miguel Mario Díaz-Canel: 'Reality Demands Urgent and Necessary Changes.'" Granma International, June 18, 2026.

Draper, Hal. "The Principle of Self-Emancipation in Marx and Engels." Socialist Register. 1971.

Duroc, Dionys. “Cuba Just Approved Its Most Sweeping Economic Reforms Since 1959 — And Called Them Socialism.” *Sociedad*, June 22, 2026.

Fromm, Erich. *Marx’s Concept of Man*. 1961.

Martínez Hernández, Leticia. “Council of Ministers Outlines Roadmap for Implementing Approved Economic and Social Reforms”. *Granma International*, July 1, 2026.

McDonnell, Patrick J., Kate Linthicum, and Ana Ceballos. “Cuba, Reeling from Oil Crisis, Acknowledges Talks with Trump.” *The Los Angeles Times*, “March 13, 2026.

Marx, Karl. *Economic and Philosophic Manuscripts of 1844*. 1844.

_____. *Critique of the Gotha Program*. 1875.

_____. *The General Rules of the International Workingmen’s Association*. October 1864.

Marx, Karl, and Frederick Engels. *The Communist Manifesto*. 1848.

Mendoza, Samantha. “Cuba’s Economic Challenges: GDP Predicted to Plummet by 6.5% in 2026,” *CubaHeadlines*. April 30, 2026.

Nayeri, Kamran. “Socialism and the Market: Methodological Issues in Economic Calculations Debate,” *Critique*, December, 2004.

_____. “Book Review: Che Guevara: The Economics of Revolution.” *Journal of the History of Economic Thought*. Republished in *Our Place in the World: A Journal of Ecosocialism*, July 3, 2011.

_____. “The Labor Theory of Value and Exploitation of Nonhumans: The Case of the Meat Industry.” December 31, 2022.

_____. *Whose Planet? Essays on Ecocentric Socialism*. 2023.

_____. “The Political Thoughts of Fidel Castro.” *Our Place in the World: A Journal of Ecosocialism*. April 19, 2024.

_____. “The Economic and Political Thoughts of Ernesto Che Guevara.” *The Bullet*, May 20024.

_____. “Systematic Crisis of Cuban Economy and Society.” August 11, 2024.

_____. “The Cuban Revolution and Other Socialist Revolutions of the Twentieth.” Century: A Reassessment.” October 16, 2024.

Pager, Tyler, and Anatoly Kurmanaev. “[How Marco Rubio Is Running Venezuela From Afar](#).” The New York Times, July 11, 2026

Robles, Frances, and David C. Adams. “Under U.S. Pressure, Cuba Rushes Drastic Economic Overhaul.” June 24, 2026.

Rodriguez, Andrea. “Cuba Pushes Through Sweeping Free-Market Reforms in Biggest Economic Shift Since the Revolution.” Associated Press. June 19, 2026.

Rubin, I. I. Essays on Marx’s Theory of Value. 1928/1972.

Silverman, Bertram. Man and Socialism in Cuba: The Great Debate. 1971.

Stalin, Joseph. The Problems of Socialism in the USSR. 1951.

The Rio Times. “Cuba Approves Its Biggest Economic Overhaul Since the Revolution.” June 20, 2026.

Toussaint, Eric. “Ernest Mandel, Revolutionary Cuba and Che Guevara.” CounterPunch, January 12, 2024

Yaffe, Helen. Che Guevara: The Economics of Revolution. 2009.